

حق رای خارجی

راوی

ملت ایران فرصت گزینش را تا قبل از انقلاب اسلامی در هیچ دوره‌ای نداشت. قبل از انقلاب اسلامی، ملت ایران می‌نشستند، تماشا می‌کردند تا کسی سر کار بیاید و هر چه می‌خواهد تصمیم بگیرد. **چه کسی آن‌ها را سر کار می‌آورد؟ دست‌های مختلف و دسته‌بندی گوناگون سیاسی دنیا؛ یک روز روس‌ها، یک روز انگلیسی‌ها، یک روز آمریکایی‌ها، در این قضایا، ملت ایران تماشاچی ماجرا و بی‌اختیار محض بود.**

«بیانات مقام معظم رهبری علیه‌السلام، سوم خرداد ۸۴»

رواق معرفت



۲

انتخاب یک قلدر

راوی

اگر می بینید همه آدم های حسابی ایران با رضاخان مخالف اند، به خاطر آن است که آدم لات بی سر و پایی بود که اصلا اسم دین را نشنیده بود. او در یک خانواده بی سواد لا ابالی و دور از معارف دینی تربیت شده بود و وقتی هم که بزرگ شد، در میان قهوه خانه ها و میخانه ها و الواط پرسه می زد. **مزاجش آماده معارضه با دین**، آن هم به قصد براندازی بود.

«بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۱۴/۰۶/۱۳۷۴»

رواقع معرفت



۳

عروسک خان

راوی

انگلیسی‌ها فردی را می‌خواستند که بیاید و هر صدایی را در ایران خفه کند و از بین ببرد و این نشان‌دهنده اهداف بلندمدت آنها برای ایران بود. انگلیسی‌ها نیم‌نگاهی هم به حکومت جدید کمونیستی روسیه داشتند. بدین صورت که رژیم‌های دیکتاتوری چون «آتاتورک» در ترکیه، «امان‌الله» در افغانستان، «فیصل» در عراق و «رضاخان» در ایران، **حلقه‌ای را به دور روسیه جدید تشکیل دهند** و مانع نفوذ کمونیسم به منطقه شوند.

«مشرق نیوز»

رواقع‌معرفی



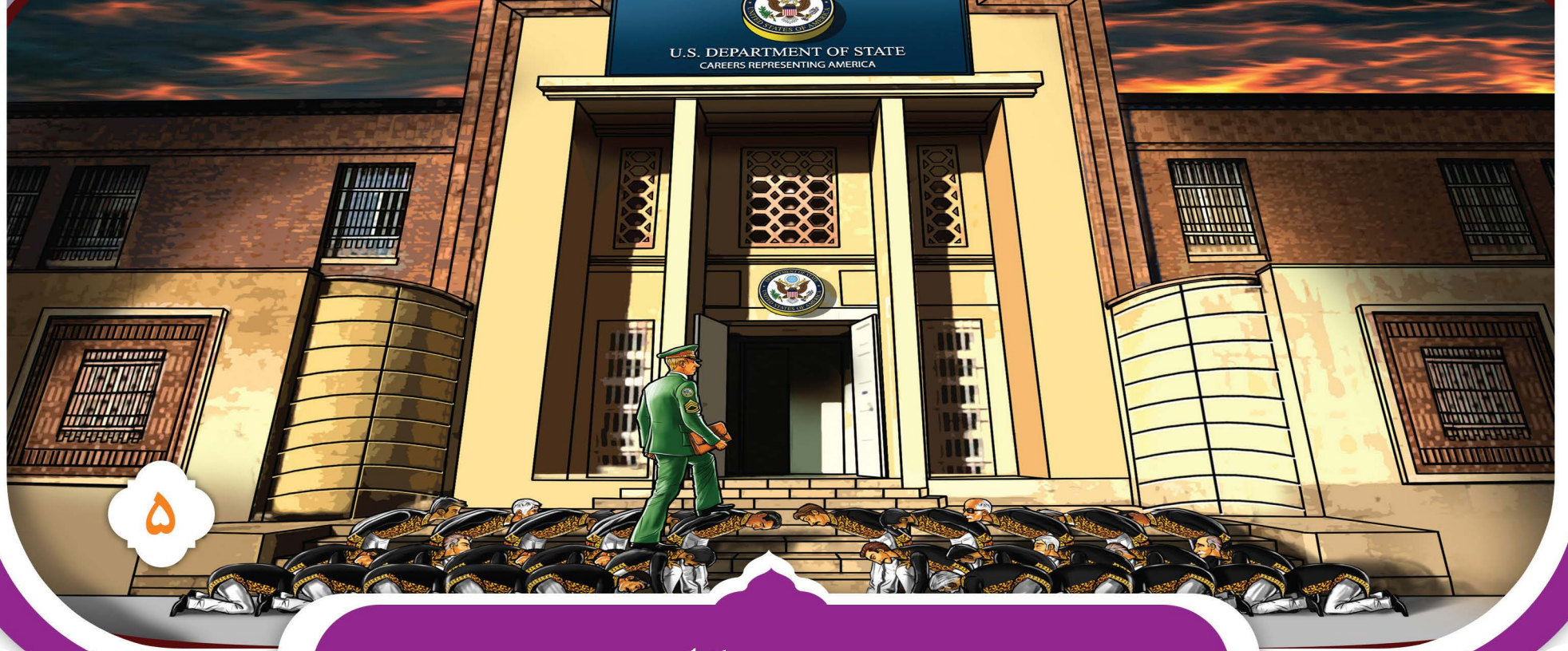
دروغ سراسری

راوی

راه آهن ایران را در دوران طاغوت، در دوران رضا خان، با محاسبه‌ی منافع قدرت‌هائی که دشمنان بزرگ این کشور محسوب می‌شدند (یعنی انگلیس و روسِ آن روز) کشیدند، **اسمش را هم گذاشتند راه آهن سراسری! دروغ محض؛ کدام سراسری؟** برای اینکه جبهه‌ی آن روز متفقِ جنگ (یعنی انگلیس و روس) بتوانند در دو طرف کشور ما سلاح و مهمات منتقل کنند، از نفت کشور بتوانند استفاده کنند.

«بیانات مقام معظم رهبری دامنه، ۱۶/۰۲/۱۳۸۷»

رواقع‌معرفی



سرسپردگان

راوی

روزگاری این کشور از صدر تا ذیل، در مُشت امریکا بود و او منافعش را از این کشور تأمین می‌کرد. در این کشور، پادشاهی بود که خود را در مقابل امریکا متعهد می‌دانست. به تعبیر رایج، نوکر حلقه به گوش امریکا بود. به تعبیر سیاسی، طرفدار و متعهد نسبت به مصالح امریکا در این کشور بود. این کشور در رأسش، چنان کسی بوده است که **مصالح امریکا برای او، از مصالح خود ملت و کشور ایران، اهمیت بیشتری داشته است.**

«بیانات مقام معظم رهبری عجله، ۱۶/۰۲/۱۳۸۷»

رواقع معرفت



مثل قاچار

چند سالی از به قدرت رسیدن رضاخان توسط انگلیسی ها نگذشته بود که او به فکر افتاد اگر بشود، پول بیشتری بابت نفت از آنها بگیرد. بالاخره هر نوکری، گاهی به این فکر می افتد که مقدار بیشتری پول از ارباب خود اخاذی کند! او وارد هیأت دولت شد و قرارداد داری را در بخاری انداخت و سوزاند! **نهایتاً انگلیسیها دماغ رضاخان را به خاک مالیدند** و کاری کردند قراردادی که فقط سی سال دیگر از اعتبارش مانده بود، به مدت شصت سال دیگر تمدید کرد!

«بیانات مقام معظم رهبری (دامت برکاته)، ۱۳۷۳/۱۱/۱۴»



۷

سیری ناپذیر

راوی

رضاخان در دوران شانزده، هفده ساله‌ی سلطنت خود، ثروت کلانی اندوخت. بد نیست بدانید که بعضی از شهرهای این کشور، به حسب سند، در بست متعلق به رضاخان بود! مثلاً شهر فریمان تماماً ملک رضاخان بود! **بهترین املاک و زمین‌های این کشور، متعلق به او بود.** او به این چیزها و به جواهرات علاقه داشت. البته بچه‌هایش قدری مشرب و سیه‌تری داشتند؛ هرگونه ثروتی را دوست می‌داشتند و جمع می‌کردند! آن وقت تخمینی که از مال مجموع این خانواده زده می‌شد، **ده‌ها میلیارد دلار بود!**

«بیانات مقام معظم رهبری علیه‌السلام، ۱۳/۱۱/۱۳۷۷»

رواق معرفت



آتش بیار معرکه

راوی



مستقرهای مسجدی

یکی از خصوصیات رژیم طاغوت همین بود که بین قبایل، بین عشایر و بین تیره‌های مختلف، ایجاد اختلاف می‌کرد تا با درگیری‌های آنها خودش را از محوطه‌ی درگیری خلاص کند! آنها را به خودشان سرگرم می‌کرد و غالباً در بین عشایر، اختلافات و جنگ‌های منطقه‌ای و عشیره‌ای به راه می‌افتاد. اگر کسی دنبال می‌کرد، ریشه‌ی آن اختلافات، در خود دستگاه بود! می‌خواستند سرگرم کنند.

سیاست نظام اسلامی، رفع این‌گونه اختلافات و ایجاد وحدت کلمه است.

«بیانات مقام معظم رهبری عجله، ۱۳۷۸/۰۱/۰۹»

رواق معرفت



به کام دربار

راوی

یک روزی بود که بیشترین منابع این کشور در مناطقی که تعلق خاصی داشت به قدرتمندان آن روز و به دربار آن روز، صرف می شد؛ **بسیاری از استانها و شهرها هم از منابع عمومی کشور هیچ حظ و بهره‌ای نداشتند.** قبل از انقلاب، یکی از استانهای بزرگ این کشور (که البته نمیخواهم اسم بیاورم) پنج فرودگاه اختصاصی در پنج نقطه‌ی استان داشت، که متعلق بود به وابستگان به دربار شاه؛ اما یک فرودگاه عمومی در آن استان وجود نداشت!

«بیانات مقام معظم رهبری دامت‌برکات، ۱۳۹۱/۰۷/۲۲»

رواق معرفت



ذلت همایونی

راوی

در اوایل رفتن رضاخان، سفیر انگلیس در تهران به کسی که از طرف محمدرضا به او مراجعه کرده بود که تکلیف خودش را بداند، می‌گوید که چون بنا بر طبق اطلاعات ما، محمدرضا به رادیو برلین گوش می‌کند و پیشرفت‌های آلمان را روی نقشه پی می‌گیرد، پس مورد اعتماد ما نیست. آن خبر را به محمدرضا می‌دهند. او هم گوش کردن به رادیو برلین را ترک می‌کند و کنار می‌گذارد! آن وقت سفیر انگلیس می‌گوید: «حالا دیگر عیبی ندارد؛ می‌شود او را به

سلطنت انتخاب کرد!»

«بیانات مقام معظم رهبری عجله، ۱۳۹۱/۰۷/۲۲»

رواقع معرفت



کوچیک شاه

راوی

رئیس سه کشور (که متحدین جنگ بودند) به تهران آمدند و بدون اینکه از دولت اجازه بگیرند، بدون اینکه به دولت مرکزی کمترین اعتنائی بکنند، در اینجا جلسه تشکیل دادند. روزولت، چرچیل و استالین به میل خودشان به تهران آمدند و جلسه تشکیل دادند؛ نه از کسی اجازه گرفتند، نه گذرنامه‌ای نشان دادند. محمدرضا که آن روز پادشاه ایران بود، مورد اعتنای اینها قرار نگرفت؛ آنها به دیدن او نرفتند، او به دیدن آنها رفت؛ وارد اتاق شد، برایش بلند نشدند، اعتنا نکردند! این، حقیقت ذلت یک حکومت و یک ملت است.

«بیانات مقام معظم رهبری (عج)، ۱۴/۰۳/۱۳۹۱»

رواق معرفت



۱۲

با اجازه

راوی

دکتر امینی برای این که آمریکایی ها را قانع کند که بشود نخست وزیر در ایران آمد، شد نخست وزیر! بعد از یکی دو سال، شاه که با او مخالف بود، بلند شد رفت آمریکا، آمریکایی ها را قانع کرد که او را از نخست وزیری عزل کند. آمد او را از نخست وزیری عزل کرد!

این، وضع مملکت ما بود. برای انتخاب نخست وزیر، شاه مملکت، رئیس کشور محتاج موافقت و رضایت آمریکا بود!

«بیانات مقام معظم رهبری (علیه السلام)، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵»

رواق معرفت



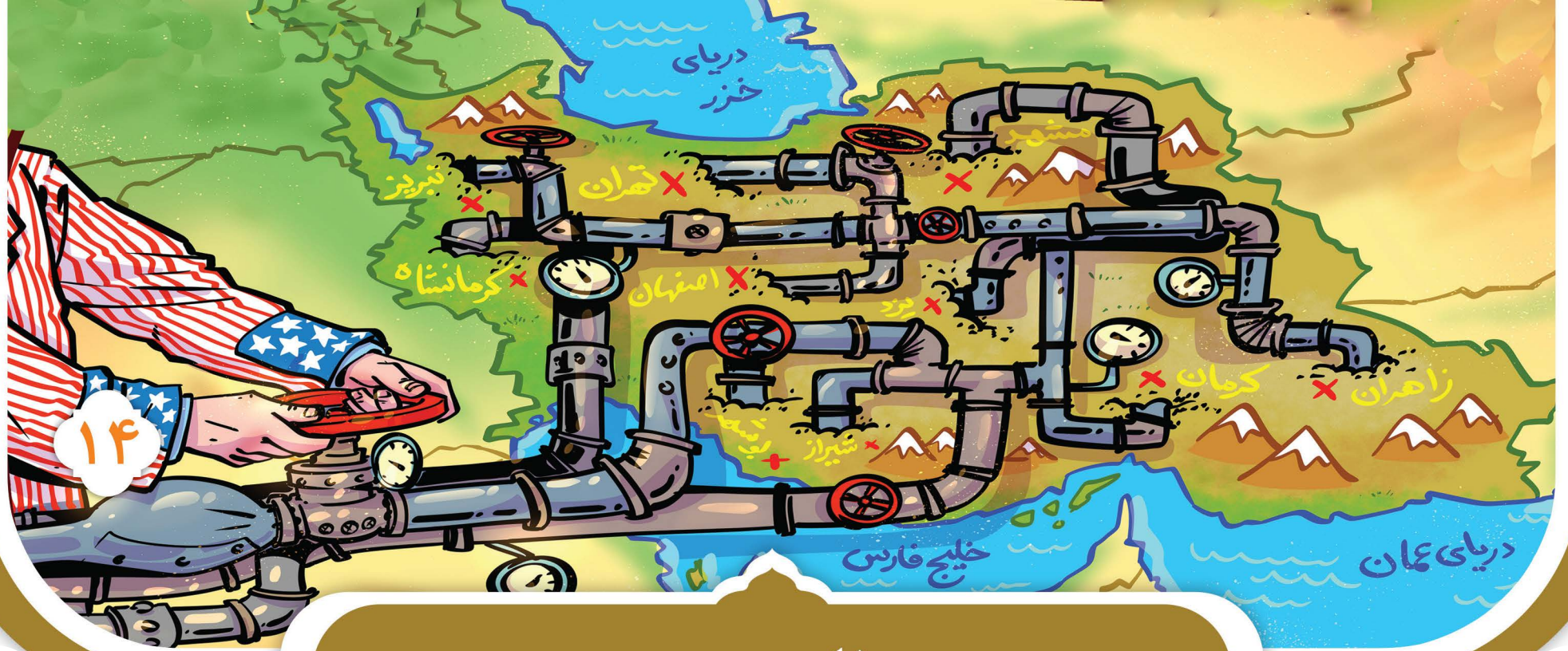
مسنگرهای مسجدی



بی خیال مردم

از لحاظ اجتماعی و وضعیت فقیر و غنی، کشور به شدت مفلوک بود. هزاران، بلکه ده ها هزار روستا در این کشور بود که برق و آب تصفیه شده و امثال این ها را نه دیده بودند، نه امیدش را داشتند! فقط به تهران و چند شهر بزرگ می رسیدند. آن هم به آن شکلی که همان روز تهران یکی از کثیف ترین و زشت ترین پایتخت های دنیا محسوب می شد! **فقط به خودشان می رسیدند؛ هر جا خودشان جا پایی داشتند، آنجا فرودگاه هم بود، وسایل راحتی هم بود.**

«بیانات مقام معظم رهبری دامت برکته، ۱۳۷۸/۰۷/۰۹»



غارت زده

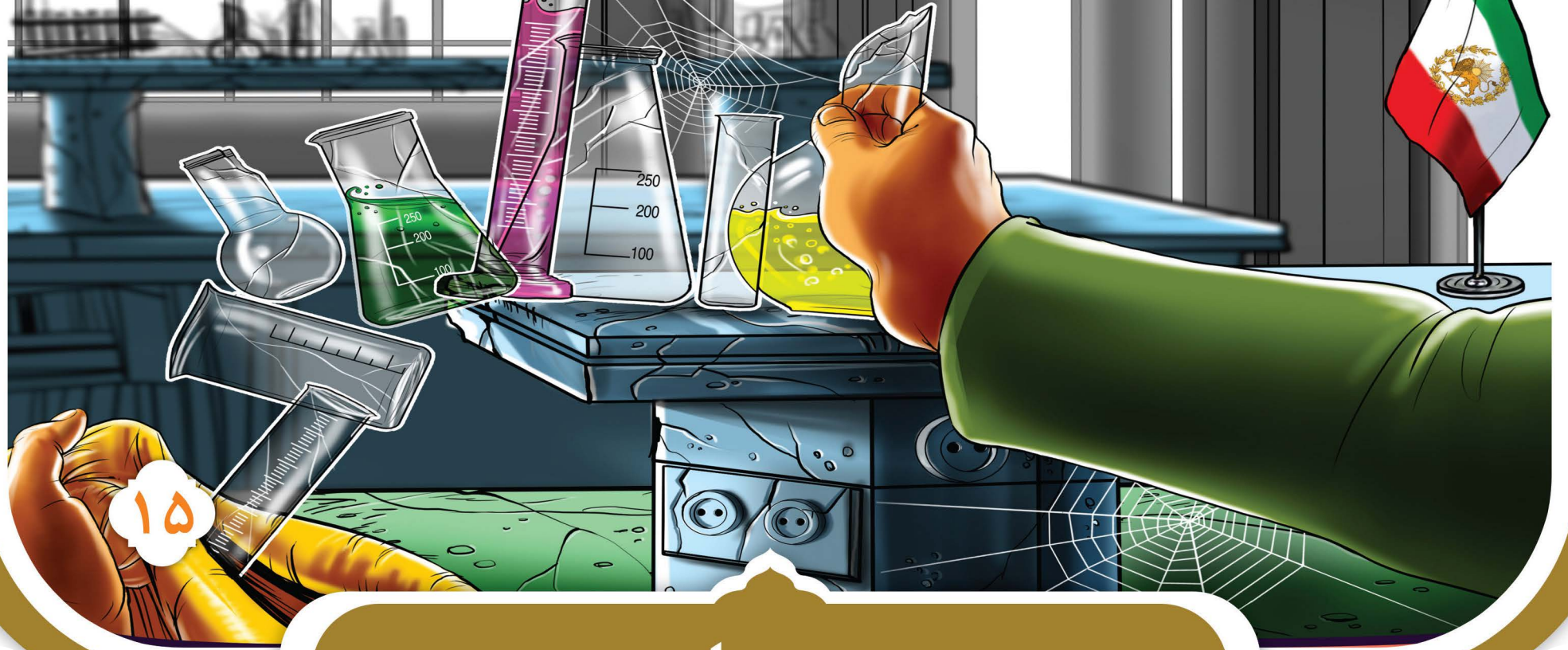
راوی

یکی از بزرگترین جرائم و گناهان رژیم محمدرضا پهلوی، عبارت بود از این که کشور را از لحاظ فنی، صنعتی و اقتصادی، وابسته نگهداشت و وابسته تر کرد. سرنوشت یک کشور را در نانش، در گندمش، در سیلوی گندمش، در وسیلهی آرد کردن گندمش، در مواد غذایی و در همه چیزش، به خارج وابسته کرد!

از این مواد غذایی تا سایر چیزها، ایران به خارج از مرزها وابسته شد.

«بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۱۳۷۷/۰۲/۰۹»

رواق معرفت



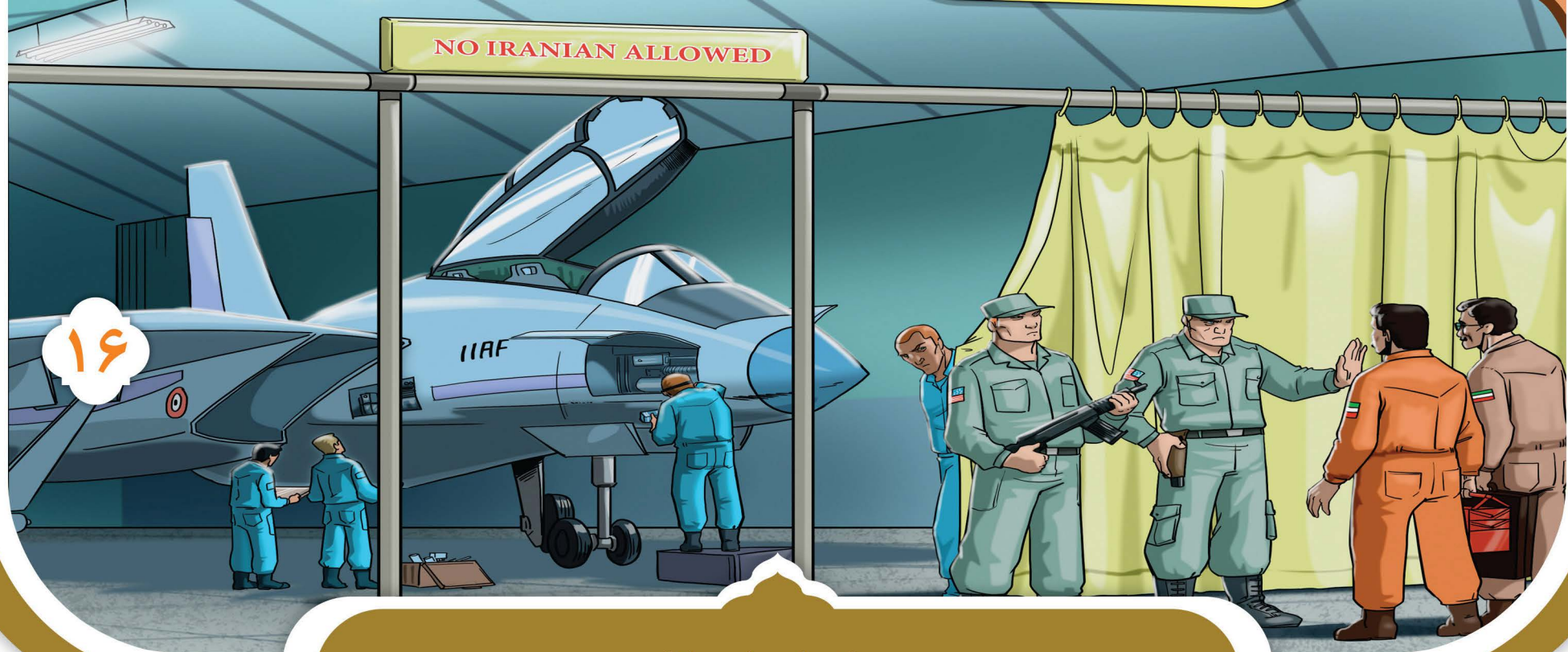
بدون علم

راوی

علم را متوقف کردند. آن همه دم از دانشگاه و دانشجو زدند، اما **عملا دانشگاه‌های کشور از کمترین فعالیت علمی برخوردار بودند!** هر کس مغز فعال و استعداد درخشانی بود، اگر می‌خواست کار کند، اگر در داخل کشور سرکوبش نمی‌کردند، مجبور بود برود بیرون کار کند؛ این‌جا نمی‌شد.

«بیانات مقام معظم رهبری دامنه، ۱۳۷۹/۰۱/۰۶»

رواق معرفت



۱۶



برو کنار ایرانی

وقتی سران یک کشور جوری تلقین کردند که خارجی‌ها متخصص هستند و ایرانی‌ها بی‌عرضه! رؤسای رژیم پهلوی ثروت‌های این ملت را صرف خرید هواپیمای جنگی از آمریکا می‌کردند. وقتی هم قطعه‌ای از ایراد پیدا می‌کرد، مهندس ایرانی حق نداشت آن قطعه را باز کند و در رفع ایرادش بکوشد! برای این که به آنها می‌گفتند:

«شما را چه به این کارها؟! این مسائل مربوط به متخصصین خارجی است. به چنین

مواردی نزدیک هم نشوید!»

«بیانات مقام معظم رهبری (علیه‌السلام)، ۱۳/۰۲/۱۳۷۳»



رژیم خفقان

یکی از خصوصیات آن رژیم فاسد، دیکتاتوری سیاه و خفقان عجیب علیه مردم، با قساوت‌آمیزترین روش‌ها [بود] که ممکن است در جاهای دیگری از کشورها هم وجود داشته باشد. رفتارهایی که اینها می‌کردند، آن شکنجه‌ها، آن فشارهای عجیب و غریب جسمی و روحی، آن زندان‌های مخوف، که امروز برخی از نشانه‌های آنها هست که افراد می‌روند می‌بینند تعجب می‌کنند.

«بیانات مقام معظم رهبری علیه‌السلام، ۱۳۹۳/۱۰/۲۴»

رواقع‌معرفی



سد در سد

راوی

بعد از آن که شرکت های خارجی قسمتی از سد دز ما را ساختند، برای مدت کوتاهی بهره برداری از نیروگاه آن را به یک شرکت داخلی دادند. بعد می خواستند ظرفیت نیروگاه را دو برابر کنند. یک شرکت آمریکایی که متعهد شد بیاید ظرفیت نیروگاه را دو برابر کند، وقتی دید بهره بردار، ایرانی است، گفت اینها باید بیرون بروند؛ بنابراین اجازه نداد. دولت ایران بهره بردار ایرانی را بیرون کرد و بهره برداری از نیروگاه دز را به یک شرکت ایتالیایی داد؛ آن وقت آمریکایی ها ظاهراً حاضر شدند بیایند پنجاه درصد دیگر نیروگاه را تکمیل کنند.

«بیانات مقام معظم رهبری (علیه السلام)، ۱۳۸۳/۱۲/۰۵»

رواق معرفت



واردات چیان

راوی

در ایران قبل از انقلاب، نه فقط از لحاظ اقتصاد زمان پهلوی، بلکه از لحاظ حتی پایه‌های اقتصادی که تا سال‌ها بعد هم اثرش باقی ماند **بزرگترین خیانت را رژیم پهلوی به اقتصاد ایران کرده است!** ایران را به انبار کالاهای وارداتی کم ارزش و بی‌فایده‌ی غربی تبدیل کردند؛ ابزارهای بُنجل و چیزهای زیادی و غیر لازم را با پول‌های کلان خریدند! کشاورزی این کشور را

که یک روز به‌کلی خودکفا بود، به‌کلی نابود کردند

«بیانات مقام معظم رهبری (علیه‌السلام)، ۱۳۸۳/۰۱/۰۶»

رواقع‌معرفی